

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Historical

تاریخی

داکتر اجرالدین حشمت



## از جنبش مشروطه تا دولت مشروطه در افغانستان

### حزب جوانان افغان :

پیرامون این حزب تاکنون معلومات و تفصیلات خیلی معدود و ناچیز موجود است. مرا منامه و آئین نامه، تاریخ بنیان گذاری و اکثر فیصله های مجالس آن طور کتبی در دست نیست، و صرف بقول مرحوم غبار یک جلسه آن حزب جهت تعیین حرکت تکنیکی در برابر دولت جدید در روزه لاهوری در منزل میر غلام محمد خان غبار «در شب آنروزیکه سپه سالار پپا دشا هی اعلان شد» دایر گردید که جریان مذاکره و پیشنهادات، اسامی بعضی از اعضا و فیصله نهائی حزب در قبال این اوضاع به شرح ذیل ثبت میشود:

«مبارزه مخفی ضد دولت جدید بشدت تعقیب گردد ولی مبارزه علنی فعلاً بصورت موقتی معطل گذاشته شود تا دیگ این بحران در افغانستان از غلیان بایستد و دستگاه حاکمه جدید بشکل ثابت خودش را بمردم نشان بدهد، آنگاه جمعیت تا کنیک مبارزه علنی را در داخل کشور تعیین خواهد نمود.» (۱۸۰) شادروان غبار که خودش نیز افتخار عضویت آن حزب را داشت علاوه از چند مطلب مختصر فوق و معرفی بعضی از اعضای معدود آن مینگارد:

«یکی از حلقه های که خودش را «جوانان افغان» نام داده بود و مرام تندتر و جنبه دست چپی داشت. اعضای این حلقه اشخاص ذیل بودند: عبدالرحمان لودین که بعد در سال ۱۹۳۰ م از طرف دولت وقت اعدام شد، تاج محمد خان پغمانی که در همان سال به توپ بسته شد، فیض محمد خان باروت ساز کابلی که مثل تاج محمد خان اعدام گردید، غلام محی الدین خان آرتی که بعد در پشاور به گلوله تفنگ ضارب مرموز و ناشناس کشته شد، همچنین یک عده دیگر که بعد در ۱۹۲۹ م از طرف دولت وقت در حبس های سیاسی

افتادند و سال‌های طولانی (۱۳ سال) بماندند یا پیر و مضمحل شدند و از کار افتادند چون سعد الدین خان و مرزا عبدالرحمان خان، محمد انور بسمل و مرزا محمد خان و غیره، عده‌ای هم زیر ثقلت و فشار اداره نظامی از سیاست به کناره رفتند چون عبداللطیف خان، مرزا محمد اسماعیل خان، محمد سعید خان، مرزا غلام جیلانی خان و غیره. نگارنده (غبار) نیز جزء اعضای همین حلقه سیاسی (جوانان افغان) بود.

طوریکه دیده میشود تا اکنون کار اختصاصی (به استثنای اظهارات عالمانه و مختصر فوق‌الذکر روان شادغبار) پیرامون «حزب جوانان افغان» علی‌الخصوص - ترکیب، ساختمان، شیوه کار، فعالیت‌های سیاسی و ایدئولوژی، ارتباطات ملی و بین‌المللی آن به نظر نمی‌خورد. نویسندگان این سطور طور شفاهی از زبان برخی افراد و اشخاص صلاحیتدار و آگاه آن عصر و نیز محققین را دیکالی شنیده‌ام که «حزب جوانان افغان» دارای ابعاد گسترده‌تر و ارتباطات وسیع‌تر از آن بود که تا اکنون ثبت گردیده و یگانه حلقه‌ای از حلقات مشروطه خواهان بود که نه تنها شهرت ملی بلکه ارتباطات بین‌المللی نیز داشت، چنانچه اظهار میدارند که در دسامبر ۱۹۲۰ م نماینده آن حزب به نام عظیم آقازاده درکنگره باکو شرکت نمود و یاقره تاج دیکالی از کنفرانس‌های رسمی کمترین درجه هیأت رئیسه ایفای وظیفه نموده است. «به هر صورت چون اظهارات فوق‌الذکر تا هنوز مستند به مأخذ ملی و بین‌المللی نیست، فلذا قضاوت در مورد صحت و سقم آن قبل از وقت است، ما منتظر آشکار شدن مأخذ و مدارکی هستیم تا در روشنی آن، این سازمان رادیکالی عصر مشروطه که در انکشاف نهضت مشروطه و تطبیق پلان‌های اصلاحی آن نقش برجسته داشت، مورد بررسی همه جانبه قرار گیرد تا با شد این سازمان سیاسی از تاریکی و پرده ابهام بدرآید و در بین حلقات مشروطه خواهی افغانستان مقام اصلی خود را احراز نماید.

### عبدالهادی خان پریشان (داوی):

داوی از زمره مبارزین مشروطه خواه، عضو حلقه اعتدالیون به رهبری میرسید قاسم خان لغمانی بود. او پسر عبدالاحد خان آخندزاده طبیب یونانی از قوم داوی (کاکر) قندهار است که بتاريخ ۱۲۷۴ هـ (۱۸۹۵ م) در باغ علیمردان کابل متولد گردید. (۱۸۱) تعلیمات ابتدائی را نزد پدر آموخت و بعد شامل مکتب حبیبیه گردید که تا درجه رشديه رسید. در زبان‌های فارسی دری و پشتو شاعر مستقل و نویسنده توانا بود و بعداً السنه اردو و ترکی را فراگرفت و تا اندازه به انگلیسی و عربی آشنائی داشت.

داوی در ۱۹۱۱ م با عبدالرحمان لودین در اداره سراج الاخبار که مدیریت آنرا محمود طرزی به عهده داشت شامل گردید و به اسرع وقت با استفاده از ظرفیت و توانائی علمی و ادبی محمود طرزی در صف نویسندگان و شاعران برجسته عصر مشروطیت قرار گرفت. بقول شادروان حبیبی داوی بعد از محمود طرزی در نشر و اشاعه «نهضت فکری و ادبی جدید» در بین نویسندگان عصر مشروطیت جایگاه خاصی داشت. داوی شاعر حساس، وطن‌دوست، پراستعداد و توانا بود که آثارش اکثر در جریده «سراج الاخبار افغانیه» به نشر میرسید.

در سال ۱۹۱۸ م زمانیکه عبدالرحمان لودین موثر حامل امیر حبیب الله خان را مورد فیر تفنگچه قرار داد (در مورد این حادثه قبلاً به تفصیل صحبت شده است) به علاوه لودین در جمله مشروطه خواهان، داوی نیز به ارتباط همین واقعه زحمت طاقت فرسای هفت ماهه زندان را متحمل شد، اما با اعلان سلطنت امان الله خان در نهم حوت ۱۲۹۷ هـ (۱۹۱۹ م) تمام زندانیان متهم به سوء قصد به شمول داوی از بندرها گردیدند و در دوره اصلاحات یعنی از آغاز سلطنت امان الله خان تا شروع اغتشاش در کشور پست‌های

حساس و مهم دولتی را اشغال نمودند که واقعاً مصدر کارهای مثمر و پربار هم شدند که در همین سلسله، به قول سید مسعود پوهنیار داوی هم مقام های مهم اداری، سیاسی و علمی ذیل را طی نمود:

- ۱- سردبیر جریده «امان افغان»
- ۲- عضویت در کنفرانس منصوری تحت ریاست محمود طرزی، ۱۹۲۰ م
- ۳- سفیر افغانستان در بخارا.
- ۴- عضویت هیأت مذاکرات افغان، با دابس نمایند ه هند بریتانوی در کابل، ۱۹۲۲ م
- ۵- مدیر شعبه هند و اروپا در وزارت خارجه، ۱۹۲۱ م
- ۶- مستشار وزارت خارجه، ۱۹۲۲ م
- ۷- رئیس هیأت سفارت فوق العاده به بخارا.
- ۸- نخستین وزیر مختار افغانستان در لندن، ۱۹۲۳ م
- ۹- وزارت تجارت، ۱۹۲۶ - ۱۹۲۸ م
- ۱۰- وزیر مختار افغانستان در برلین.
- ۱۱- استعفاء از وزارت مختاری افغانی در برلین و عودت بوطن، ۱۹۳۱ م
- ۱۲- عضو افتخاری انجمن ادبی کابل، ۱۹۳۲ م
- ۱۳- حبس ۱۳ ساله در ارک کابل ۱۹۳۳ - ۱۹۴۸ م
- ۱۴- سرمنشی دربار شاهی.
- ۱۵- وکیل ده سبز کابل و رئیس انتصابی شوراه دوره هفتم، ۱۹۴۹ - ۱۹۵۳ م
- ۱۶- سفیر افغانستان در مصر، ۱۹۵۳ م
- ۱۷- سفیر افغانستان در اندونیزیا ۱۹۵۵ - ۱۹۵۸ م
- ۱۸- رئیس انتصابی مشرانو جرگه (مجلس اعیان)، ۱۹۶۶/ م
- ۱۹- اشتراک در تصوید قانون اساسی، ۱۹۶۴ م

داوی شخص وطن پرست و حایز غرور ملی بود، چنانچه در سال ۱۹۱۹ م زمانیکه هیأت افغانی تحت ریاست علی احمد خان ناظر داخله، پسر مامای امان الله خان جهت مذاکرات صلح به راولپندی اعزام شد، داوی هم عضو این هیأت بود اما از آنجا نیکه قبلاً با اخلاق، خصوصیت و خودخواهی علی احمد خان لوی ناب معرفت داشت و میدانست که او استعداد، قابلیت و ظرفیت آنرا ندارد که از زیر بار حل همچو یک وظیفه مهم ملی و تاریخی بدر آید، فلذا از رفتن به راولپندی به حیث عضو آن هیأت استنکاف ورزید.

در ۱۹۲۸ م در مجلس قصر ستوری هنگامیکه شاه امان الله خان برخی از ریفورم های افراطی خود را اعلان مینمود رفع حجاب زنان نیز شامل آن بود و ضمناً ملکه ثریا روی باز در این محفل شرکت کرد. پادشاه درباره رفع حجاب رای گیری کرد که همه تائید کردند به استثنای دو نفر: عبدالرحمان لودین رئیس گمرک کابل و عبدالهادی خان داوی وزیر تجارت. این دو تن میگفتند که ما از اولین کسانی هستیم که طرفدار

رفع حجاب زنانه، ولی نه در این موقع که دست دسیسه انگلیس در افغانستان دراز است و از همین حرکت مصلحانه هم يك فتنه میسازد. ( ۱۸۲ )

داوی را طوریکه اکثریت ما و شما از نزدیک می شناسیم و یا بعضاً با او صحبت ها داشتیم، علاوه بر آنکه شاعر و نویسنده توانا بود در فن سخنرانی و نطق و بیان هم مهارت داشت. او انسان هیجانی و احساساتی نبود، آهسته، آرام و سنجیده صحبت مینمود و شنونده را تحت تاثیر و نفوذ کلام خود قرار میداد. در همین رابطه چند کلمه از مرحوم عبدالحی حبیبی که آشنا و ارادتمند او بود بخوانید:

« چون در سال های طولانی حکمرانی کابینه محمد هاشم خان در حبس نگهداشته شد، وقتی سید احمد خان قندهاری مشاور صد ارت به محمد هاشم خان یادآوری کرد که: اگر يك فرقه منظم با توپ و تفنگ بدست این آدم بی آزار ( مراد داوی است ) بدهید، وی از استعمال آن قوه عاجز است، پس چرا او را در زندان نگهداشته اند؟ محمد هاشم خان در جواب گفته بود: شما او را نمی شناسید، با این قیافه آرام و صالح يك گپ او از يك گلوله توپ زیاده تر موثر است. »

اشعار و مضامین داوی عموماً انتباهی، آموزنده، انتقادی و برانگیزنده بود، چنانچه « بلبل گرفتار » از جمله ابیات انتقادی است که در ۱۹۱۷ م در « سراج الاخبار افغانستان » به طرفداری و تائید پیشنهادات هیأت آلمان - ترکیه به نشر رسید که امیر حبیب الله خان را ترغیب مینمود تا جهت حصول آزادی کامل و استقلال افغانستان، علیه انگلیس اعلان جهاد نماید و یا منظومه دیگرش تحت عنوان « تابکی » مردم را بکار و فعالیت و بیداری تشویق میگرد که ما چند فرد این منظومه را از « افغانستان در مسیر تاریخ » میگیریم:

**تابکی اولاد افغان تابکی + تابکی هان تابکی هان تابکی**  
**کو کوی مرغ سحر آمد بکوش + خرخر خواب ای گرانجان تابکی**  
**نور بیداری جهانی را گرفت + خواب غفلت ای حریفان تابکی**

از داوی آثار منظوم، منثور، تراجم و تصانیف باقی مانده که در سراج الاخبار عصر مشروطه و کم و بیش در نشرات بعد از آن به نظر میخورد که مهمترین آنها:

نعمات، گلخانه، رجال وطن، زیستنامه ( ۱۸۳ ) و غیره میباشد.

داوی یکی از چهره های برآزنده مشروطیت دوم است که با اشعار و مضامین پر محتوایش در راه استحکام دولت مشروطه و تطبیق پروگرام های آن سخت تلاش نمود. بنا بر داشتن همین آرمان ملی، او در مسیر زندگی اش فرازونشیب فراوان دید. بعد از ختم اغتشاش و اوایل سلطنت محمد نادر خان در پست وزیر مختاری افغانستان در برلین برگزیده شد و در ۱۹۳۱ استعفاء داد و علت استعفاءی او را سید مسعود پوهنیار چنین تعبیر مینماید:

« در سنه ۱۳۱۰ هـ ( ۱۹۳۱ م ) انگلیس ها مبلغ يك صد و هفتاد هزار پوند به افغانستان اعانه دادند، زیرا افغانستان با اثر اغتشاش سقوی به مضیقه شدید مالی گرفتار بود، آن مسأله در جریان المان انتشار یافت. عکس العمل آن در سفارت افغانی در برلین که داوی به حیث وزیر مختار بود نامطلوب تلقی شد، لذا داوی بصورت احتجاج از وظیفه استعفاء نمود. ( ۱۸۴ )

سال ۱۳۱۲ هـ ( ۱۹۳۳ م ) برای دولت يك سال ناخوش آیند و نحس بود، مبارزه جوانان و روشنفکران تشدید میشود و بقول روان شا د غبار سه حادثه عمده طور متواتر بوقوع می پیوندد: « در شانزدهم جوزا سردار عزیزخان برادر بزرگ محمد نادر در سفارت افغانی در برلین به اثر فیر تفنگچه سید کمال بقتل میرسد، در

۱۵ سنبله در داخل سفارت انگلیس سه تن به اثر فیر محمد عظیم منشی زاده کشته میشوند و به ۱۶ عقرب در چمن ارگ شاهی محمد نادر خان هد ف سه فیر عبد الخالق قرار میگیرد که به ارتباط همین حوادث دولت منحیث عکس العمل در ترورها، حبسها و کشتارهای جوانان و روشن فکران افزایش بعمل آورد. متعاقب همین رویدادها داوی در ۱۹۳۳ با برادر کهنترش شکور جان و خواهرزاده اش حبیب الله گرفتار و زندانی گردیدند، اما این بار مدت حبس طولانی تر (۱۳ سال) و زحمت و تکلیف آن ثقیل تر بود. «  
مرحوم غبار که معاصر داوی است بعد از یادآوری و ارج گذاری کارنامه های دوران مشروطیت، سراسر زندگی پر از نشیب و فراز را چنین جمع بندی مینماید:

«... در طول این دوره داوی به حیث يك آزادخواه و وطن پرست و اصلاح طلب احترام شد. داوی بعد از ختم اغتشاش بچه سقا و در ۱۹۳۰ م به سفارت مختاری افغانی در برلین رفت ولی به زودی استعفاء کرد و برگشت و در ۱۹۳۳ م در ارگ زندانی سیاسی گردید. زحمت این حبس ۱۳ ساله بدر از کشید و در طی آن داوی از شباب به شیب کشید و موهای سیاه سپید گردید، بس خسته بود و دست از مبارزات سیاسی باز گرفت و در صف ما مورین عالی رتبه بایستاد.»

داوی مرد دانشمند، متعهد، سخنور، تشنه آزادی، رفاه و ترقی کشورش بود که بعد از طی مسیر پر خم و پیچ زندگی در عمر ۸۸ سالگی بتاريخ ۲۷ ماه اسد، ۱۳۶۱ هـ ش (۱۹۸۲ م) در منزل شخصی اش در کابل چشم از جهان فرو بست. (۱۸۵)

خاطره اش گرامی باد!

آن عده از هموطنانی که خواسته باشند کتاب را خرید نمایند می توانند به آدرس ذیل تماس بگیرند:

**Dr. Ajruddin Hashmat**  
**97 Forest Heights Str.**  
**Whitby, Ont. L1R 1x7. Canada**  
**Tel (905) 665-8767**